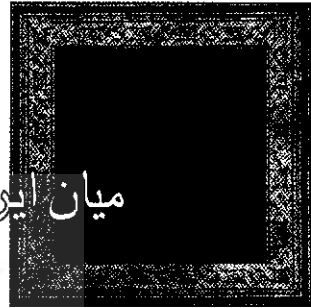


# علم قرائت و حدیث میان ایرانیان در سده‌های نخست عنایت الله فاتی نژاد<sup>۱</sup>



## چکیده

در دو قرن اول اسلام به برکت قرآن کریم و احادیث شریف نبوی علوم جدیدی همچون قرائت قرآن، تفسیر، فقه و حدیث پا به عرصه وجود گذاشت و علوم اسلامی و معارف دین مبین اسلام به تدریج، تدوین و گسترش یافت و دانشمندان مسلمان با تکیه بر اصیل‌ترین منبع شناخت دین مبین اسلام یعنی قرآن کریم و احادیث رسول اکرم (ص) آثار ارزشمندی خلق کردند که زیر بنای تحولات فرهنگی جهان اسلام گردید. ایرانیان که از پشتوانه فرهنگی غنی تری نسبت به عربها برخوردار بودند، پس از آن که اسلام را با آغوش باز پذیرفتند، در تدوین و گسترش علوم و معارف اسلامی و به ویژه در عرصه قرائت قرآن و احادیث نبوی نقشی فعال و اساسی بر عهده گرفتند. چندان که بیشتر قاریان هفت گانه و اکثر محدثان معروف، در سده‌های ۲ تا ۴ق، ایرانی تبار بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: قرآن، اسلام، قرائت قرآن، حدیث.

ایرانیان پس از آنکه به دین اسلام گردن نهادند، برای درک مفاهیم و تعلیمات دین جدید باید همچون دیگر مسلمانان قرآن را فرا می‌گرفتند و با احادیث نبوی آشنا می‌شدند. از سوی دیگر مسلمانان نیز در ترویج دین اسلام و آشنا ساختن ایرانیان با قرآن و علوم اسلامی سخت مصر بودند و چون شهری را می‌گشودند، مردمان را به فراگیری قرآن، زبان عربی و علوم اسلامی وامی‌داشتند. چنانکه به گفته مؤلف تاریخ سیستان چون ربیع حارثی در ۴۶ق از سوی زیاد بن ابیه به سیستان آمد (مردمان را جبر کرد تا علم و قرآن و تفسیر آموختند...) (تاریخ سیستان، ۹۱). او همین رومسلمانان گاه افرادی را برای تبلیغ و ترویج اسلام به شهرها و مناطق فتح شده روانه می‌ساختند. چنانکه مثلاً وقتی ولید بن عقبه آذربایجان را گشود، گروهی را برای تبلیغ اسلام در آنجا مستقر ساخت (رک: بلاذری، ۵۰۹). همچنین رد پای تعدادی از صحابه و تابعین که بی‌شک به همین منظور روانه ایران شده‌اند در آثاری چون مشاهیر علماء الامصار و طبقات المحدثین قابل پی‌گیری است. برخی از آنان در نیمه نخست سده ۴ق در مناطق مرکزی و شرقی به خصوص خراسان، سیستان، اصفهان، ری و قم که از مرکز خلافت به دور بوده، به تبلیغ اسلام و تدریس علوم اسلامی اشتغال داشته‌اند که از آن میان افراد زیر را می‌توان نام برد: بریده بن حصیب بن عبدالله صحابی معروف پیامبر (ص) که از مدینه به بصره و از آنجا به سیستان و سپس مرو رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند؛ حکم بن عمرو بن غفاری و قریط بن ابی رمثه نیز مدتی در مرو می‌زیسته‌اند و در همانجا وفات یافته‌اند. ابومحمد سعید بن جبیر (د. ۹۵ق) و سعید بن عثمان بن عبدالاعلی و عبدالله بن یزید خطمی نیز از اصحاب پیامبرند که پس از وفات آن حضرت در اصفهان سکنی گزیده و به تدریس و ترویج اسلام مشغول بوده‌اند (ابوالشیخ اصفهانی، ۲۵۳/۱، ۲۵۸، ۳۱۵). همچنین رجالی نامدار چون قطری بن فجاءه و عبدالرحمان سمره در سیستان حضور داشته‌اند (حدود ۸۰ق) و به تدریس قرآن و احادیث نبوی مشغول بوده‌اند (تاریخ سیستان، ۱۰۹-۱۱۰). این افراد نخستین معلمان قرآن و ناقلان احادیث پیامبر (ص) در ایران به شمار می‌روند که ایرانیان قرائت قرآن، احادیث نبوی و مقدمات علوم اسلامی را در مکتب آنان آموختند و سپس خود به تدریس این علوم پرداختند

با حضور این افراد که طلایه داران فرهنگ اسلامی در ایران به شمار می روند، قرائت قرآن، فقه و حدیث و به طور کلی علوم اسلامی در ایران و در مراکز فرهنگی - مذهبی همچون ری، اصفهان، قزوین و همدان تاریخ طولانی خود را آغاز کرد.

از سال ۱۳۲ ق که ابوالعباس سفاح نخستین خلیفه عباسی به خلافت رسید تا حدود ۱۰۰ سال پس از آن که دوران نفوذ ایرانیان است، در تاریخ و فرهنگ عربی به عطر زرین شهرت دارد. در این دوره زبان عربی به همراه دین مبین اسلام اقصی نقاط ماوراءالنهر گرفته تا شمال افریقا و اندلس به عنوان زبان دین و دانش دامن گسترده بود و بغداد به عنوان بزرگ ترین کانون علم و ادب شهرت یافته دانش پژوهان از سراسر جهان برای فراگیری علوم مختلف بدانجا سرازیر می شدند. با روی کار آمدن خاندان های ایرانی و کاهش تبعیضات نژادی و رفع ظلم و ستمی که عربها به خصوص در دوره بنی امیه نسبت به ایرانیان روا می داشتند، ایرانیان فرهیخته فرصتی یافتند تا استعداد و نبوغ خود را با الهام از اندیشه های اجداد ایرانی خود در تمام زمینه های علمی به نمایش گذارند. آنان به زودی در تمام علوم آن روزگار از شعر و ادب و لغت گرفته تا تاریخ و جغرافیا و فقه و قرائت قرآن و احادیث نبوی هزاران اثر پدید آوردند و سرآمد دانشمندان روزگار خود شدند و در پایه گذاری و اعتلای فرهنگ اسلامی و غنا بخشیدن به آن تا قرن ها تأثیر و نقش بسزایی داشتند. دگرگونی عظیمی که در زبان و فرهنگ عربی و علوم و معارف اسلامی در سده های ۲ تا ۴ ق به وجود آمد نخست از حجاز آغاز شد و در شهرهای عراق مانند بصره و بغداد که ایرانشهر نامیده می شد، دوران شکل گیری، تکامل و شکوفایی خود را طی کرد.

بی شک یکی از عوامل شکوفایی این علوم در عراق حضور خاندان های ایرانی و دبیران، وزیران، فقیهان، محدثان و دانشمندان فرهیخته ایرانی تبار در شهرهای بصره، کوفه و بغداد بود که از چهره های شاخص نهضت علمی فرهنگی جامعه اسلامی به شمار می رفتند. در ۳ قرن نخست اسلامی که دوران شکوفایی علوم مختلف و دوران تدوین و تألیف معارف دینی و تجلی آرمان های اسلامی است تقریباً هیچ دانشی نیست که ایرانیان در آن سهمی بسزا نداشته

باشند. علم نحو یا دستور زبان عربی بدست ایرانیان و در رأس آنان سیبویه شیرازی پایه ریزی شد. وی با تألیف الکتب‌الپایه و اساس نحو عربی را بنیان نهاد و دیگر نحویان ایرانی چون کسایی، فرّاء، ابوعلی فارسی و زجاج در ادامه کار وی دستور زبان عربی را به اوج شکوفایی خود رسانیدند. علم لغت نیز توسط لغویان ایرانی همچون خلیل بن احمد مؤلف نخستین لغت نامه عربی به نام العین که گفته‌ای اجدادش از خراسان بوده‌اند، پایه ریزی شد و به دست کسانی چون ابن سکیت اهوازی و ابو عبیده و ابو عمرو شیبانی که از موالی ایرانی تبار بودند، تکامل یافت. در زمینه تاریخ و جغرافیا ابن طیفور (د. ۲۸۰ ق)، ابوحنیفه دینوری (د. ۲۸۲ ق) مؤلف اخبار الطوال، اصطخری، ابن رسته بلخی (د. ۲۹۰ ق)، بلاذری، ابن خردادبه، محمد بن جریر طبری (د. ۳۱۰ ق) که آثار آنان از معتبرترین منابع تاریخی و جغرافیایی به شمار می‌رود، همه دانشمندیان ایرانی‌اند. با نگاهی به فهرست ابن ندیم نقش ایرانیان در تدوین، گسترش و تکامل علوم مختلف، به خوبی روشن می‌شود. ایرانیان در تدوین علوم قرآنی به ویژه قرائت و حدیث نیز مانند سایر علوم پیشگام بودند. ابوحنیفه نعمان بن ثابت (د. ۱۵۰ ق) که گفته‌اند پدرش را در زمره اسیران ایرانی به کوفه بردند، مذهب حنفی را بنیان نهاد و با تألیف الفقه الاکبر مکتب اعتقادی و فقهی جدیدی را پایه ریزی کرد. در قرائت قرآن نافع بن عبدالرحمن که اصل وی از اصفهان است (خلیفه بن خیاط، ۱۶۲/۱)، جایگاه ویژه‌ای دارد و گفته‌اند از میان قاریان هفت‌گانه تنها ابو عمرو بن علاء و ابن عامر نسبت عربی داشته‌اند، که برخی ابو عمرو بن علاء را نیز ایرانی و خاندان وی را از کازرون فارس می‌دانند (رک: پاکتچی، ۶۴/۶). اعمش، حماد بن ابی سلیمان و عبدالرحمن ابو جبلة از فقها و قاریان معروف نیز ایرانی بوده‌اند (خلیفه بن خیاط، همانجا). با این حال از میان قاریان معروف تنها یک نفر نژاد عربی داشته است. همچنین بزرگ‌ترین مجموعه‌های احادیث پیامبر (ص) به نام «صحاح» و «سنن» را علمای ایرانی فراهم آورده‌اند مانند: صحیح بخاری از محمد بن اسماعیل بخاری (د. ۲۵۶ ق)، الجامع الصحیح یا صحیح مسلم از مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (د. ۲۶۱ ق)، السنن تألیف سلیمان بن اشعث سیستانی (د. ۲۷۵ ق)، الجامع الصحیح معروف به صحیح ترمذی از محمد بن عیسی ترمذی (د. ۲۷۹ ق)، سنن

نسایی از احمد بن علی نسایی (۳۰۳ ق)، السنن تألیف محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (د. ۲۷۳ ق)، به علاوه کتاب های حدیث معتبر شیعه مانند اصول کافی از محمد بن یعقوب کلینی (د ۳۲۸ ق)، من لایحضره الفقیه از ابن بابویه (د ۳۸۱ ق) و الاستبصار از شیخ طوسی همه به دست علمای ایرانی تألیف شده است.

فعالیت های علمی دانشمندان ایرانی در زمینه های گوناگون علوم قرآنی مانند تفسیر، فقه و اصول، حدیث، قرائت قرآن، کلام، فلسفه و عرفان چندان عظیم و شگرف است که شرح آن در قالب یک مقاله نمی گنجد و باید کتاب یا کتابهایی در چند جلد را بدان اختصاص داد. از این رو در این نوشتار از میان شاخه های مختلف علوم قرآنی تنها به علم قرائت و حدیث در میان ایرانیان، آن هم فقط در سده های ۲ تا ۴ ق می پردازیم و سعی داریم شخصیت های نامبردار ایرانی را که در این دورشته از علوم قرآنی نقش آفرین و تأثیرگذار بوده اند، معرفی و به شرح فعالیت های آنان پردازیم:

۱- نافع بن عبدالرحمان بن ابی نعیم از قراء هفتگانه. کنیه او را ابورویم و ابو عبدالله نیز گفته اند. وی از موالی جعونه بن شعوب شجعی در مدینه بود و اصمعی می گوید «از نافع شنیدم که گفت اصل من از اصبهان (اصفهان) است» و ابونعیم اصفهانی نیز در تاریخ اصفهان او را اصفهانی الاصل دانسته است (۳۲۶/۲). وی قرائت قرآن را نزد میمون بن مویله ام سلمه همسر پیامبر (ص) فراگرفت. مالک بن انس، ورش و قالون از راویان و شاگردان وی بوده اند که هر سه از قراء مشهور به شمار می روند. بیشتر نویسندگانی که در باره اعراب قرآن کتاب نوشته اند قرائت وی را موثق دانسته و به روایت های وی به چشم حجتی در خور اعتماد نگریسته اند. از کتاب ها و منابعی که می توان اختیار نافع را بارها و به تفصیل در آنها دید تفسیر غریب القرآن ابن قتیبه و اعراب القرآن ابن نحاس (رک: ۱۸۵/۱، ۲۲۴، ۲۲۲/۲، ۴۶) در خور ذکرند. نافع در سال ۱۵۹ ق در مدینه درگذشت (ابن جزری، غایة النهایة، ۳۳۰/۲؛ ابن خلکان، ۳۶۸۵-۳۶۹).

۲- اعمش، سلیمان بن مهران. وی در دماوند و به گفته ای در کوفه در سال ۶۰ هجری به دنیا

آمد. پدرش مهران که در فتوحات اسلامی اسیر شده بود، یقیناً اهل دماوند (در منابع عربی: دنباوند) بوده است (رک: همو، ۴۰۰/۲، ۴۰۳). به گفته ابن خلکان (۴۰۲/۲) مهران، زمانی که به همراه خانواده اش به کوفه برده شد، همسرش اعمش را حامله بود، که اگر این روایت درست باشد ولادت وی در کوفه به واقعیت نزدیک تر است. به خصوص که در همین روایت آمده است مهران در عراق به خدمت یکی از افراد قبیله بنی اسد در آمد و اعمش در میان این قبیله زاده شد و از همین رو نسبت اسدی و کوفی یافت (نیز رک: ابن حبان، ۱۱۱). گفته اند که مهران در واقعه عاشورا حضور داشته است (ابن خلکان، ۴۰۳/۲).

اعمش در عراق نزد محدثان و دانشمندانی بسیاری چون زید بن وهب، کمیل بن زیاد، ابراهیم نخعی، سعید بن جبیر، مجاهد و یحیی بن وثاب قاری معروف کوفه به فراگیری قرائت قرآن و حدیث پرداخت. وی احادیثی نیز از انس بن مالک و عبدالله بن ابی اوفی نقل کرده است (رک: ابن جزری، همان، ۳۱۵/۱؛ ذهبی، ۲۳۹/۶-۲۴۲؛ ابونعیم، ۵۵/۵-۵۶؛ پاکتچی، ۴۰۲/۹-۴۰۴). اما وی ظاهراً شاگرد مستقیم انس بن مالک نبوده و به گفته منابع این احادیث را از اصحاب انس شنیده است (ابن خلکان، همانجا). وی زندگی زاهدانه‌ای داشته چنان که ابونعیم اصفهانی وی را در شمار اولیای اهل زهد و تصوف آورده است (۴۶/۵-۶۰). برخی روایت‌ها از گرایش اعمش به شیعه و دوستی علی بن ابی طالب (ع) حکایت دارد. چنان که به روایتی هشام بن عبدالملک کسی را نزد اعمش فرستاد و از وی خواست تا مناقب عثمان و مساوی علی بن ابی طالب را برایش بنویسد. اعمش کاغذی برداشت و آن را در دهان گوسفندی نهاد و چون گوسفند شروع به جویدن آن کرد، به فرستاده خلیفه گفت: به هشام بگو این پاسخ اوست (ابن خلکان، ۴۰۲/۲-۴۰۳). اعمش شاگردان بسیاری داشته که سفیان ثوری، حمزه زیات از قاریان هفتگانه، شعبه بن حجاج، حفص بن غیاث را در زمره شاگردان وی آورده اند. برخی شاگردان وی نیز ایرانی بوده اند چون جریر بن عبدالحمید و حسین بن واقد که بعدها خود از مشاهیر علما و قاریان ری و خراسان شدند (همو، ۴۰۰/۲؛ ابونعیم اصفهانی، ۴۷/۵). قرائت حمزه و کسایی را متأثر از قرائت اعمش دانسته اند که در این صورت نقش اعمش در شکل‌گیری دو

قرائت معروف کوفه روشن می گردد. علاوه بر این، قرائت اعمش به صورت مستقل نیز توسط برخی شاگردان وی به نسل های بعد منتقل شده است (پاکتچی، ۴۰۳/۹). برخی چون ابن ندیم (ص ۳۳۳) قرائت وی را از قرائت اصلی کوفه دانسته و گروهی نیز همچون ابن تیمیه، ابن عربی و قاضی عیاض اعتبار و صحت قرائت وی را کاملاً تأیید کرده اند (ابن جزری، النشر، ۳۷/۱-۴۰؛ پاکتچی، همانجا).

۳- ابو حاتم سجستانی، سهل بن محمد جشمی، راوی، لغوی و مقرئ ایرانی تبار است که خاندان او از سجستان (= سیستان) بوده است. از نسبت جشمی وی چنین برمی آید که نیاکان وی از اسیران ایرانی در دوره فتوحات اسلامی بوده که به عراق برده شده و به خدمت قبیله بنی جشم درآمده اند (رک: ابن خلکان، ۴۳۰/۲؛ ۱۲۳/۱؛ حاج منوچهری، ۳۱۷۵). وی احتمالاً در حدود ۱۶۵ق در بصره به دنیا آمد و در همانجا پرورش یافت (فروخ، ۳۱۷/۲). ابو حاتم نزد استادان برجسته ای چون اصمعی، اخفش، ابن سلام و ابو عبیده معمر بن مثنی، ابو زید انصاری و یعقوب اسحاق حضرمی از قراء دهگانه، به فراگیری قرائت قرآن، شعر و ادب، لغت و نحو پرداخت (ابن جزری، غایة النهایة، ۳۲۰/۱؛ سمعانی، ۸۶/۷؛ سیوطی، ۴۰۵/۲) و نزد محدثانی مانند محمد بن عبیدالله عتبی، یزید بن هارون و وهب بن جریر حدیث شنید (ذهبی، ۲۶۹/۱۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۵۷/۴). وی پس از آن که در علوم مختلف تبحر یافت در بصره مجالسی تشکیل داد که مورد اقبال دانش پژوهان در ادبیات، فقه، حدیث و قرائت قرآن قرار گرفت. حضور دانشمندانی چون ابو سعید عسکری، احمد بن حرب، احمد بن خلیل عنبری، ابن درید، میرد و ابن قتیبه در مجالس درس وی حاکی از وسعت دامنه دانش اوست (رک: ابن درید، ۵۶/۱؛ ابن قتیبه، ۴۳/۱؛ یاقوت حموی، ۲۶۵/۱۱). وی چون در علم قرائت شهرتی به دست آورد به تألیف کتاب القراءات همت گماشت که از نخستین آثار تدوین شده در علم قرائت به شمار می آید (ابن جزری، همانجا). ابو حاتم در این کتاب به بیش از بیست قرائت توجه داشته است و روش گزینش و اختیار او به شیوه ابو عبیده معمر بن مثنی بسیار نزدیک است. در منابعی چون اعراب القرآن منسوب به زجاج، اعراب القرآن از ابو جعفر نحاس و مختصر شواذ القرآن از ابن

خالویه اختیار ابو حاتم را می‌توان باز یافت (حاج منوچهری، ۳۱۳/۵). به گفته مقدسی (ص ۳۹۵) قرائت ابو حاتم در سده ۴ق در مناطق بسیاری از ایران رواج داشته است. ابو حاتم سجستانی پس از اصمعی و ابوزید انصاری از پیشگامان علم لغت نیز به شمار می‌رود و روایت‌ها و آثار لغوی وی مانند کتاب الاضداد جایگاه والای او را در میان لغویان کهن نشان می‌دهد. وی پس از گردآوری لغات و لهجه‌های شاذ، رساله‌های لغوی فراوانی تألیف کرد و در آنها علاوه بر شرح و توضیح واژگان، به جمع‌آوری مترادفات و اضداد همت گماشت (رک: ابن ندیم، ۶۴؛ ابو عبید بکری، ۶۱؛ ابن خلکان، ۴۳۲/۲-۴۳۳). این رساله‌های تخصصی نخستین تلاش‌ها در تدوین فرهنگ‌نامه‌های بزرگ و جامعی بود که در سده‌های بعد پدید آمد. از میان آثار لغوی پیشینیان کمتر لغت‌نامه‌ای است که مؤلف آن به روایت‌ها و آثار لغوی ابو حاتم استناد نکرده باشد (فاتحی نژاد، ۱۲۲/۱).

### ● منابع

- ۱- ابن جزری، محمد، غایة النهایة، به کوشش برگستر سر، قاهره، ۱۳۵۱ق/۱۹۳۲م.
- ۲- همو، النشر، به کوشش علی محمد ضیاع، قاهره، بی‌تا.
- ۳- ابن حبان، محمد، الثقات، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م.
- ۴- ابن حجر عسقلانی، احمد، تهذیب التهذیب، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۵ق.
- ۵- ابن خلکان، شمس‌الدین، وفيات الاعیان، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م.
- ۶- ابن درید، محمد، جمهرة اللغة، حیدرآباد دکن، ۱۳۴۴ق.
- ۷- ابن قتیبه، عبدالله، عیون الاخبار، قاهره، ۱۳۴۳ق/۱۹۲۵م.
- ۸- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، به کوشش رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ش.
- ۹- ابوالشیخ اصفهانی، عبدالله، طبقات المحدثین باصفهان، به کوشش عبدالغفور بلوشی، بیروت ۱۴۰۷-۱۴۱۲ق.
- ۱۰- ابو عبید بکری، عبدالله، التنبیه به کوشش انطوان صالحانی، بیروت، ۱۹۲۱م.
- ۱۱- ابوجعفر نحاس، اعراب القرآن، به کوشش زهیر غازی زاهد، بیروت، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۷م.
- ۱۲- ابونعمان اصفهانی، احمد، حلیة الاولیاء، قاهره، ۱۳۵۱ق/۱۹۳۲م.
- ۱۳- بلاذری، احمد، فتوح البلدان، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۶۵م.



- ۱۴- پاكنتجى، احمد، دايرة المعارف بزرگ اسلامى، زير نظر كاظم موسوى بجنوردى، تهران، ۱۳۷۹ش.
- ۱۵- تاريخ سيستان، به كوشش محمد تقى بهار، تهران، ۱۳۱۴ش.
- ۱۶- حاج منوچهرى، فرامرز، دايرة المعارف بزرگ اسلامى، زير نظر كاظم موسوى بجنوردى، تهران، ۱۳۷۲ش.
- ۱۷- خليفه بن خياط، تاريخ، به كوشش سهيل زكار، دمشق، ۱۹۶۸م.
- ۱۸- ذهبى، شمس الدين محمد، سير اعلام النبلاء، به كوشش شعيب ارنؤوط و صالح سمر، بيروت، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴م.
- ۱۹- سمعانى، عبدالكريم، الأنساب، حيدرآباد دكن، ۱۳۹۶ق/ ۱۹۷۶م.
- ۲۰- سيوطى، جلال الدين، المزهو، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م.
- ۲۱- فاتحى نژاد، عنايت الله، دانشنامه زبان و ادب فارسى، به سرپرستى اسماعيل سعادت، تهران، ۱۳۸۴ش.
- ۲۲- فروخ، عمر، تاريخ الأدب العربى، بيروت، ۱۹۸۲م.
- ۲۳- قفطى، على بن يوسف، انباه الرواة على انباء النحاة، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ۱۳۷۱ق/ ۱۹۵۲م.
- ۲۴- مقدسى، ابو عبدالله، احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم، به كوشش دخويه، ليدن، ۱۹۰۶م.
- ۲۵- ياقوت، معجم الادباء، به كوشش ماگليوث، بيروت، بى تا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی